



۲۰۱۲/۰۷/۲۱



عبدالحمید سامع

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت هشتم)

با وقوع حوادث، در اواخر سال ۱۹۹۶ در کابل، زمانیکه حکومت «برهان الدین ربانی - احمد شاه مسعود» کابل را ترک می گوید، خبر نگاران نشرات خارجی کابل ویران را در هر کنج و کنار عکاسی نموده اند. ویرانی های جنگ ها ممکن در همه جا و در همه وقت، متناسب با استعمال سلاح های تخریبی، شباهت داشته باشند. سوال اینجاست، که این پایتخت از کی بوده است که در «جنگ داخلی» چنین ویرانی را متحمل شده است.

در عنوان مطلب، می خوانیم: «طالبان مصروف یک دولت خدائی اند» بتعقیب: «در افغانستان حال ریش کامل یک مکلفیت است»

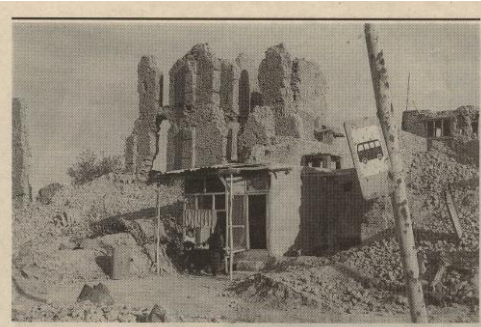


Nach 17 Jahren Besatzung und Bürgerkrieg steht in Afghanistans Hauptstadt Kabul vielerorts kaum noch ein Stein auf dem anderen. Unser Bild zeigt ein Geschwisterpaar in der Nähe des ehemaligen Universitätsgeländes. Foto: dpa

این عکس را «راینشه پوست»، چاپ آلمان در اول اکتوبر ۱۹۹۶، قریب سه روز بعد از ورود «طالبان»، به شهر کابل، که بدون جنگ صورت پذیرفته است، بدست نشر سپرده است. ترجمه متن پائین عکس چنین است:

«بعد از ۱۷ سال اشغال و جنگ داخلی، در بسیاری از محلات پایتخت کابل، سنگ روی سنگ باقی نمانده است. عکس ما دو طفل خواهر و برادر را در نزدیکی ساحه پوهنتون وقت نشان میدهد.»

از جمله خرابه های بی شمار، یکی دو عکس را که در زمان حکومت «برهان الدین ربانی - احمد شاه مسعود» گرفته شده اند، از نظر می گذرانیم: برای معرفی محل برای خوانندگان محترم ترجمه متن موجود زیرین هر تصویر را خدمت تقدیم می دارم: «کابل در ویرانه: جائیکه



Kabul in Trümmern
Wo früher Kabuls große Einkaufsstraße Dordas-Meywand verlief, nichts als Ruinen, Schutt – und ein kleiner Brotladen in einer Hütte. Der afghanische Bürgerkrieg hat große Teile der Hauptstadt unbewohnbar gemacht. Viele Häuser sind zertrümmert und zerstört. Derzeit herrscht in Kabul relative Ruhe, seit Regierungssoldaten die jungen, fundamentalistischen Taliban-Milizen vertrieben haben. (Bild: dpa)

زمانی جاده بزرگ خرید، جاده میوند به درازا واقع بوده است، جز ویرانه و خاکستر و یک دوکان کوچک نانوانی، در یک غرفگک، چیز دیگری، باقی نمانده است. جنگ داخلی افغانستان، قسمت اعظم شهر پایتخت را غیر قابل زیست ساخته است. خانه های زیاد، مرمی خورده و یا بمبارد شده به چشم می خورد. در حال حاضر از زمانیکه، عساکر حکومت «ملیشیه های - طالب بنیادگرا را بعقب زده اند.» در کابل آرامش نسبی مسلط است، «کولنر شدتد انخایگر»، چار شنبه ۱۷ می ۱۹۹۵

حال در همان «سمتگیری فکری»، هفته نامه «دی سایت» (Die Zeit)، می نویسد: «روسها دوباره در مخلوط ساختن سهم می گیرند.» به ادامه می خوانیم: «کسانی که در گذشته، دشمنان سر یکدیگر بوده اند، با یکدیگر علیه بنیادگرایان طالب متحد شده اند.» («دی سایت»، ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۶) در عین زمان گزارش یافته است که بعد از وقایع اخیر، ۲۵۰۰۰ عسکر مسلح قوای «روسیه»، تنها در خط سرحدی «تاجیکستان - افغانستان»، اعزام گردیده اند، زیرا در «تاجیکستان شورشیان افراطی ضد رژیم» رحمانف فعال گردیده اند.



روزنامه «تیراژ بلند» آلمانی، «فرانکفورتر الگیمانه سایتونگ» در شماره ۳۱ اکتوبر ۱۹۹۶ آن روزنامه، عنوان

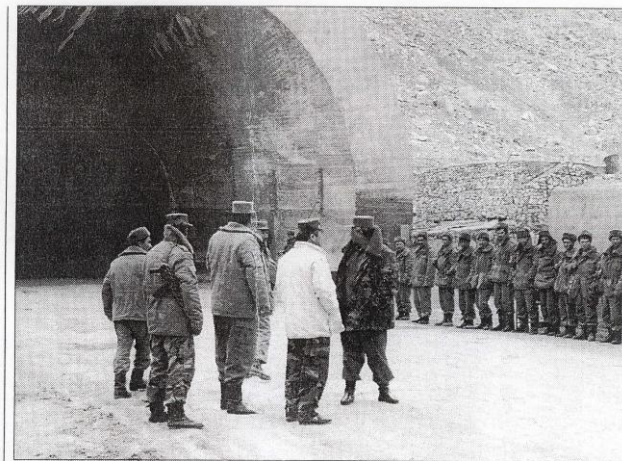
د پانو شمیره: له 1 تر

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سر یادونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله مز

گزارش مفصل مطلب خود را، بدین متن انتخاب نموده است: «**زنان در افغانستان خود را مانند حیوانات در قفس احساس می نمایند.**» درین گزارش از زمستان دشوار که در پیش است، هوشداری داده شده است.

همین روزنامه، در شماره مؤرخ ۶ نوامبر ۱۹۹۶ خویس، با نشر این عکس همچنان مطلبی را منتشر ساخته است، که گویا، «**واشنگتن به میانجیگری در نزاع افغانستان حاضر نشده است.**» در متن آمده است که پیشنهاد

از «**جانب سفیر ایران، آقای خرازی؟**»، در صحبت با «**واشنگتن پوست**»، روز دوشنبه، همچو طرح پیشکش شده است، تا این دو کشور مشترکاً، اقدام نمایند. وزارت خارجهٔ اضلاع متحدهٔ امریکا، به این طرح جواب رد داده است. در روزنامه همچنان، در مدت وضع مقررات جدید طالبان، در بارهٔ قیودات علیه «**زنان و دختران**»، تجارت فروش تکه های نساجی، به اوج خود رسیده است.



DAS NADELÖHR. General Raschid Dostum inspiziert den Salang-Tunnel, das für die Taliban-Milizen unüberwindliche Hindernis auf dem Weg in seinen Machtbereich. Foto: rtr



RASCHID DOSTUM ist eine der Schlüsselfiguren im Ringen um Afghanistan. In den Nordprovinzen hat der Usbeken-General eine starke Machtstellung. Mehrfach hat er die Fronten gewechselt, so als er Najibullah fallenließ und dem Sieg der Mujahedin ermöglichte. Jetzt wird er gegen die Taliban gebraucht. Foto: rtr

در همین گزارش، قوای جنگی درگیر را در جنگ داخلی افغانستان مقایسه نموده است. درین مقایسه از «**طالبان**» بعنوان «**قوای**

ریشدار» طالب که از زمان «**مجاهدین**» نام داده اند، و از آنها بعنوان «**باند های لومین**» نیز یاد شده است، (کمیت افراد مسلح آن قبلاً ۲۵۰۰۰ مرد تذکار یافته بود) در تحت فرماندهی «**جنرال ازبک عبدالرشید دوستم**» که میگوید، شخص تنومند با ریش تراشیده، «**۱۰۰۰۰ مرد مسلح**»، تعلیم یافته، مجهز با بهترین وضعیت نام برده شده است.

نشریهٔ «**تاگیس شپینگل**» چاپ آلمان در شمارهٔ ۱۵ اکتوبر ۱۹۹۶، با نشر این تصاویر، بار دیگر در بارهٔ «**نقش**» عبدالرشید دوستم، در رابطه با وقایع افغانستان، مطلبی بدست نشر سپرده اند. در پای عکس ها، مطالب کوتاهی در بارهٔ شخص نوشته است، که تاحدی، نقش وخصوصیت او را برجسته می سازد. در پای عکس تنهائی سمت راست بالائی: «**رشید دوستم یکی از «هیگل» های کلیدی در مبارزه بر افغانستان شناخته می شود. در ولایات شمال، جنرال - ازبک دارای یک موقف قوی قدرت است. چندین مرتبه جبهات را تبدیل نموده است. چنانچه نجیب الله را رها کرد و پیروزی مجاهدین را ممکن ساخت. حال بر ضد طالبان بکار است.**» **کار فرما کیست؟**

در پای عکس دومی سمت چپ، در همان شمارهٔ تاگیس شپینگل»، که به تونل «**سالنگ**»، «**لوف سوزن**» نام داده است، در همان تاریخ ۱۵ اکتوبر ۱۹۹۶، ۱۹ روز بعد از حضور طالبان در شهر کابل می نویسد که «**دوستم در حال معاینهٔ تونل سالنگ**» نشان داده است. در عین حال، ازین موضع بعنوان مانع برطرف ناشده در راه ساحهٔ قدرت محسوب می گردد.

قابل تذکر است که خبر تازه، در رابطه با کشته شدن «**چهار عسکر روسی در سرحدات افغانستان**»، بنابر گزارش روزنامهٔ «**فرانکفورتر الگیمان**» سائیتونگ»، بتاريخ ۲ اکتوبر ۱۹۹۶، بدست شورشیان «**تاجیک**»، نمونهٔ از عوامل «**نگرانی**» روسیه می تواند، درک شود، که در «**حمایت**» از «**اتحاد جدید**»، که بعداً «**اتحاد شمال**» نام داده شد، قرار داشته است. چنین یک موضعگیری حمایت از «**اتحاد شمال**» را، «**هند و ایران**» نیز اتخاذ نمود. حمایت پاکستان را در قسمت های بعدی مفصلتر، مرور خواهیم نمود.

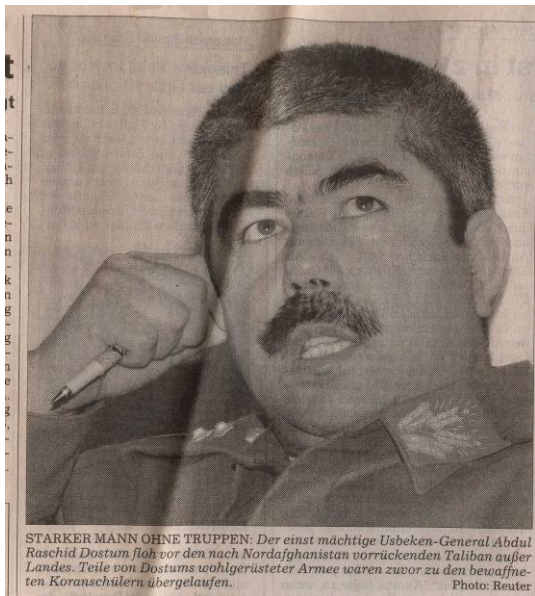
د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در مدت زمان سه ماه اخیر سال ۱۹۹۶، با پخش مقررات و «دساتیر ملایان» و آرایش نیروها، در «جنگ داخلی» صفحات روزنامه های غربی را، موضوعات مربوط «افراطیت» و «بنیادگرایی» و «دولت الله و یا دولت خدائی»، «نقض حقوق بشر» و خاصاً «حقوق زنان و دختران» پوشانیده است. در سال ۱۹۹۷، دامنه جنگ در صفحات شمال و شمالغرب کشور بیشتر توسعه یافته است. اختلافات درونی در هر یکی از گروه های، «ائتلاف جدید» علیه «طالبان»، فارغ از معضلات نبوده است، «جنیش طالب» هم، آنطوری که با «پرده ریش» پوشانیده شده اند، آنطور واحد نبوده است. تداخلات یک گروه در گروه دیگر نیز از احتمال خارج نیست. تحلیل دقیق نیاز به وقت و اسناد دارد. تنها اگر طراحان اصلی، موضوع «امر جبری ریش گذاشتن» و یا پوشیدن جبری «چادری» برای زنان، معلوم می بود، می توانست دیده شود، که هدف اصلی چه بوده است. کدام کمیت با چهره ظاهری باید، در کدام جمعیت «مشابه» به دیگران ساخته می شد. بهر صورت موضوعی است که در اینجا گنجایش تفصیل در مورد آن دیده نمی شود.

در سلسله وقایع «جنگی» در شمال، یکی موضوع اختلافات بین «جنرال عبدالملک» که زمانی به «سمت وزیر خارجه» «جنبش ملی اسلامی تحت رهبری دوستم»، ایفای وظیفه می نموده است، شمرده می شود. قرار اظهار خودش «بتاریخ ۱۹ ماه می ۱۹۹۷» پیوند خود را با «دوستم» قطع نموده و بنابر گزارش «زیود دوپچه سایتونگ»، ۲۶ می ۱۹۹۷، با ۴۰۰۰ مرد مسلح «متحد طالبان» میگردد.



STARKER MANN OHNE TRUPPEN. Der einst mächtige Usbeken-General Abdul Raschid Dostum floh vor den nach Nordafghanistan vorrückenden Taliban außer Landes. Teile von Dostums wohlgerüsteter Armee waren zuvor zu den bewaffneten Koranschülern übergelaufen. Photo: Reuters

روزنامه «زیود دوپچه سایتونگ»، بتاریخ ۲۶ می ۱۹۹۷ با نشر این عکس و مطلب: «طالبان جنرال دوستم را به فرار مجبور ساخت» در پای عکس می خوانیم: «مرد قوی بدون قشون: یک زمان قوی ترین جنرال از یک عبدالرشید دوستم، قبل از پیشروی اخیر طالبان در شمال، به خارج از کشور فرار نمود. قسمتی از قوای مجهز او قبلاً به صف شاگردان قرآن پیوسته بودند.»

به ادامه حادته ۱۹ ماه می ۱۹۹۷ که در فوق ذکر شده است، بر اساس گزارش روزنامه آلمانی زبان «فرانکفورتر الگیماینه سایتونگ»، تاریخ ۹ جون ۱۹۹۷، وقتی در قوای هوانی نیرومند تحت فرمان دوستم، بتاریخ ۲۴ ماه می شورش و بی اطاعتی بوقوع می پیوندد، دوستم بر اساس این منبع خود به ترکیه فرار می نماید. متعاقباً هر ساعت، «افراد مسلح طالب» با طیارات ترانسپورتی، بر اساس مطلب منتشره همین روزنامه، در میدان هوانی مزار شریف فرود می آیند. جریان مفصل حوادث درین روزنامه منتشر گردیده است.

در مدت «سه روز» قرار همین گزارش، بتعداد ۵۰۰۰ «جنگی الله» توسط «طیارات پاکستانی» از «قرارگاه طالبان در قندهار»، به مزارشرف انتقال یافته است. بسرعت مواضع «ستراتیژیک» محل را اشغال می نمایند. «رپورتر» برخورد «طالبان» را در شمال، با «اشغالگران» مشابهت داده است. موازی ب این «تظاهر»، به تطبیق قوانین، «دولت خدائی» خود اقدام می نمایند.

اقدامات کابل را که با «پوشیدن جبری چادری زنان»، «مسدود نمودن مکاتب دختران»، «زنان مشغول بکار را به خانه های شان فرستادن»، خلاصه اینکه، بر اساس همین منبع، همه «مناسبات ایکه» در کابل برقرار نموده بودند، در آن محلات نیز تحمیل می نمودند. قرار ادعای همین گزارشگر، قریب تمام اعضای رهبری «طالبان»، در شمال کشور آمده بودند. حاکمیت تنهائی خود را تمثیل می نموده اند، در حالیکه، بر طبق «رپور» گویا، با

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

جنرال» توافق نمود بودند، تا شرایط «خود مختاری» را مراعات نمایند. این چنین تخلف را گزارشگر، از زبان «جنرال عبدالملک»، که در یک صحبت تلفونی مدعی شده است، چنین بیان می دارد:

« ما بتوافق رسیده بودیم تا «کمیسونی» را تشکیل دهیم، تا در کابل یک حکومت ائتلافی را بسازند. در عین زمان موافقت بعمل آمده بود که قطعات مرا هم خلع سلاح نمایند.» لیکن «طالبان» هیچ یکی ازین توافقات را مراعات نمودند.

در گزارش می خوانیم: «... زمانیکه باز هم تلاش صورت گرفت، تا در مزار شریف ملیشه شیعه حزب وحدت، که در اتحاد سابق با دوستم منسوب بوده اند، خلع سلاح نمایند، رسوائی و شورش بر پا می گردد، قطعات ملک به جانب شیعه ها قرار می گیرند.» بر اساس گزارش، درین شهر «۲،۵» ملیونی، مردم هم درین قیام سهم می گیرند. هزاران انسان، به اسلحه دست می برند. «در همه جا اجساد طالبان» بنظر می رسیده اند. در جریان این حادثه، «ائتلاف شمال» که با ائتلاف «جنرال عبدالملک» و «جنرال عبدالرشید دوستم»، برهم خورده بود، دوباره زنده شد و جنرال عبدالملک رهبری «جنبش ملی اسلامی» را هم، بدوش گرفت.

در همین روزنامه می خوانیم: در مدت دو روز، ۲۰۰۰ طالب بقتل رسیدند. قرار همین منبع گفته شده است که گویا «۸۰۰۰ هم زخمی یا اسیر»، ازین وقایع بجا مانده اند. در جمله آنها «۳۰۰» نفر را «پاکستانی»، بشمول افسران بلند پایه آن نامیده اند. این اطلاعات را از زبان یک «جنرال اتحاد شمال» بدست نشر سپرده است. در عین حال از شش بال طیاره ترانسپورتهی پاکستانی نیز تذکر بعمل آمده است، که «به غنیمت» گرفته بودند. درین رسوائی، «سران طالبان» نیز «اسیر» شده اند.

آنچه قابل توجه است، اظهار «معاون رئیس پارلمانی جلسه»، «سازمان امنیت و همکاری اروپا» (OSZE)، «ویلی ویمر» آلمانی، است، که چند روز قبل هوشدار داده بود: «در پاکستان باید دست خود را دور سازند، که کمبود آشکارای افراد طالبان را با افراد نظامی پاکستان دوباره پر سازند.» در همین راپور همچنان از هزاران فرد جنگی پاکستانی در قید «اتحاد شمال» و در تحت مواظبت «صلیب احمر»، تذکر بعمل مده است. تأکید بعمل می آید که این «فکت ها» بوضاحت حقیقت را بر ملا می سازد.

ختم قسمت هشتم
ادامه دارد